

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عین الحیات

علامہ محمد باقر محلی

[۱۰۳۷-۱۱۱۰ھ ق]

تحقیق و ویرایش

کاظم عابدینی مطلق

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ق.
عین الحیات [وصایای پیامبر اسلام(ص) به ابوذر غفاری] / تألیف محمدباقر
مجلسی. - تهران، برجیس ۱۳۸۵
۸۰۰ص.

ISBN: 964-7051-67-0 ۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.
این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
۱. اخلاق اسلامی. ۲. احادیث اخلاقی. ۳. وصایای اخلاقی پیامبر اسلام(ص) (قرن
اول هجری). الف. عابدینی مطلق، کاظم، ۱۳۴۵ -، ویراستار. ب. عنوان.
۲۹۷/۹۵
۸۴/۲۳۸۵
کتابخانه ملی ایران

عین الحیات

وصایای رسول گرامی اسلام به ابوذر غفاری

علامه محمدباقر مجلسی

- تحقیق و ویرایش: کاظم عابدینی مطلق ● حروف نگاری و صفحه‌آرایی: نحوی (فراگفت)
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵ ● ناشر: انتشارات برجیس
- لیتوگرافی: حجت ● چاپ: شریعت ● تیراژ: ۵۵۰۰ نسخه
- مجری طرح: مؤسسه پخش برجیس ● ناظر چاپ: علیزاده
- شابک: ۹۶۴-۷۰۵۱-۶۷-۰ ISBN: 964-7051-67-0
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات برجیس می باشد

- تهران خیابان انقلاب خیابان شهدای زاندارمری ساختمان ایرانیان پلاک ۱۳۰ واحد ۴ □ تلفن: ۶۶۴۸۴۱۷۹
- اصفهان: چهارباغ پایین، کوچه رشتی‌ها، پلاک ۴۹. مؤسسه انتشاراتی امام عصر(عج) □ تلفن: ۳۱۱-۲۲۰۲۹۳۳
- شیراز: خ توحید، روبروی پاساژ وحدت، کوچه کسرا نیان، پلاک ۴۵. پخش کتاب فارس کوثر □ تلفن: ۷۱۱-۲۳۵۷۶۲۸

فهرست مطالب

۹	مقدمه ویراستار
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۳	پیشگفتار
۱۳	(۱) در ذکر بعضی از فضایل و احوال ابوذر (رض)
۱۳	(۲) در فضایل سلمان و ابوذر و مقدار (رض)
۱۶	کیفیت اسلام ابوذر
۱۸	کیفیت مسلمان شدن سلمان (رض)
۲۳	مظلومیت ابوذر، و ظلم عثمان نسبت به او
۲۵	احوال ابوذر
۲۸	اخراج ابوذر از مدینه
۳۰	وفات ابوذر در ریزه
۳۲	وصیت رسول الله ﷺ به ابوذر
۳۴	فصل اول: رؤیت
۳۶	فصل دوم: هدف از خلقت آسمان و زمین
۳۷	فصل سوم: شرایط اعمال
۵۱	فایده
۵۲	فصل چهارم: حضور قلب
۶۵	اصل اول: قبول عبادات موقوف به معرفت است
۶۵	اصل دوم: ایمان مایه‌ی سعادت ابدیست
۷۵	اصل سوم: مراتب معرفت و ایمان
۸۰	اصل چهارم: حدوث عالم
۸۱	اصل پنجم: تحقیق معنی فَرَد
۸۵	اصل ششم: بقای خداوند
۸۵	اصل هفتم: خالقیت حق تعالی
۸۷	اصل هشتم: آفرینش آسمان‌ها

- ۹۰ اصل نهم: معنی لطیف و خبیر
- ۹۴ اصل دهم: احاطه‌ی علم و قدرت خداوند به همه چیز
- ۹۵ فایده‌ی اول: بیان ضرورت وجود نبی، و احتیاجِ خلاق به او
- ۹۷ فایده‌ی دوم: معجزه
- ۹۸ فایده‌ی سوم: تقریر دلیل بر نبوت پیغمبرِ آخر الزمان، حضرت محمد ﷺ
- ۱۱۱ فایده‌ی چهارم: قداست ساحت انبیاء ﷺ
- ۱۱۲ فایده‌ی پنجم: بیان بعضی از شمایل و اوصاف آن حضرت
- ۱۱۸ تنویر اول: اینکه هیچ عصری خالی از امام منصوب از جانب خدا نمی‌باشد
- ۱۳۳ تنویر دوم: عصمت امام
- ۱۳۵ تنویر سوم: نازل شدن آیه‌ی تطهیر در شان اهل بیت ﷺ
- ۱۳۷ تنویر چهارم: فضیلت اهل بیت ﷺ
- ۱۴۳ تنویر پنجم: اینکه صحت عبادت مشروط بر اعتقاد به امامت ائمه ﷺ است
- ۱۴۴ تنویر ششم: صفات و علایم امام، و شرایط امامت
- ۱۸۴ مقصد اول: احتراز از طول امل
- ۱۹۶ مقصد دوم: در بیان دجال
- ۱۹۹ مقصد سوم: بیان مجملی از معاد و ذکر بعضی از احوال آن
- ۲۱۶ قاعده‌ی اول: فضیلت علم، یاد گرفتن و یاد دادن آن و فضل علما
- ۲۲۱ قاعده‌ی دوم: اصناف علم، و آنچه از آن نافع است
- ۲۲۳ قاعده‌ی سوم: شرایط و آداب علم و عمل نمودن به آن، و بیان اصناف علما
- ۲۳۲ قاعده‌ی چهارم: اصناف علما و صفات عالِم قابل متابعت
- ۲۳۳ قاعده پنجم: مذمت عمل بی عمل
- ۲۳۴ قاعده‌ی ششم: مذمت فتوا دادن کسی که اهلیت آن را نداشته باشد
- ۲۳۵ خصلت اول: عدم اغترار به عبادت، و اعتراف به عجز
- ۲۳۷ خصلت دوم: شکر نعمت
- ۲۴۱ خصلت سوم: توبه
- ۲۶۰ لمعه‌ی اول: فضیلت نماز
- ۲۶۳ لمعه‌ی دوم: اختلاف شرایع، و مذمت بدعت در دین

۲۷۱	لمعه‌ی سوم: رهبانیت بدعت است، و در این امت نمی‌باشد
۲۷۴	لمعه‌ی چهارم: اعتزال از خَلْق
۲۷۸	لمعه‌ی پنجم: طلب مال از حلال نمودن، و قدر اتفاق کردن
۲۸۶	لمعه‌ی ششم: در بیان تجمل، زینت، لباس‌های فاخر و...
۲۹۱	لمعه‌ی هفتم: فضیلت پاکیزه بودن و بوی خوش کردن
۲۹۲	لمعه‌ی هشتم: مدح طعام‌های لذیذ، و مذمت ترک گوشت و حیوانی نمودن
۲۹۷	لمعه‌ی نهم: حرمت غنا
۳۰۱	لمعه‌ی دهم: در بیان ذکر
۳۱۴	تصدق کردن
۳۲۶	ثمره‌ی اول: خوف و رجا
۳۳۱	ثمره‌ی دوم: بیان بعضی از قصص خائفان، که ذکر احوال ایشان موجب تنبّه مؤمنان است
۳۴۳	ثمره‌ی سوم: مدح مخالفت نفس و مذمت متابعت هواهای نفسانی
۳۴۸	باب اول: مذمت دنیا
۳۵۶	باب دوم: بیان چند تمثیل در مذمت دنیا
۴۳۳	باب سوم: معنی دنیا
۴۹۳	خصلت اول: بسیار خندیدن
۴۹۵	خصلت دوم: کسلی و سستی در عبادت
۵۰۲	خصلت اول: حیا
۵۰۴	خصلت دوم: عفت شکم از محرمات و مکروهات
۵۰۶	خصلت سوم: عفت فرج، از محرمات، مکروهات و شبهات
۵۱۱	خصلت چهارم: نگاه داشتن چشم، از محرمات و مکروهات
۵۱۲	نجم اول: فضیلت دعا و فواید آن
۵۱۶	نجم دوم: شرایط و آداب دعا
۵۳۱	نجم سوم: علت مستجاب نشدن بعضی از دعاها
۵۷۰	ینبوع اول: اکرام پیرانِ مسلمانان
۵۷۱	ینبوع دوم: فضیلت قرآن و حامل آن
۵۷۱	ساقیه‌ی اول: فضیلت قرآن

❖ مقدمه ویراستار ❖

نام علامه محمدباقر مجلسی با نام دایرةالمعارف بزرگ حدیث شیعه یعنی «بحارالانوار» گره خورده است و عظمت این کتاب شریف، شخصیت ممتاز علامه مجلسی را در ذهن تداعی می‌بخشد.

کتاب‌های تألیفی علامه مجلسی هر کدام بارها به زیور طبع آراسته گردیده و به صورت منبع پرفیض معارف و احکام و آیین الهی اسلام قرار گرفته و می‌گیرد. کتاب‌هایی چون حلیة‌المتقین، حق‌الیقین، جلاء‌العیون، بحارالانوار، حیات‌القلوب، عین‌الحیات و... هر کدام چون ستاره‌هایی فروزان در آسمان فرهنگ مکتوب معارف اسلامی و شیعی می‌درخشند.

کتاب عین‌الحیات در حقیقت شرحی گویاست بر وصایا و احکام و پندهای پیامبر گرامی اسلام ﷺ به یکی از بزرگترین شخصیت‌ها و پرورش‌یافتگان فرهنگ اسلامی، یعنی ابوذر غفاری. البته در عظمت سخنان گوهر بار پیامبر ﷺ به انسان بزرگ و وارسته‌یی چون ابوذر غفاری نیازی به توضیح نیست، تنها باید به شرح و بیان جامع و پرمحتوای علامه بزرگوار مجلسی اشاره کنیم که الحق، حق مطلب را ادا نموده و به قلمی نیکو آنچه از معارف و احکام و اخلاقیات و قوف داشته در این کتاب به کار گرفته و حاصل کار، کتابی پدید آمده که مطالعه‌ی آن دریایی از آگاهی و بینش دینی را به ذهن خواننده هدیه می‌کند. عین‌الحیات را می‌توان به چشمه‌ی حیاتبخش ترجمه کرد، ملهم از این توضیح علامه در مقدمه

کتاب که: «چون از ارواح شامل سبحان امید دارم که موجب حیات قلوب و ارواح مرده‌دلان سرای غرور گردد، آن را به عین الحیات مسمی گردانیدم.»

اما در ویرایش این کتاب کوشیده‌ایم تا آنجا که ممکن است از علایم ویرایشی برای ارتباط یافتن سریع ذهن خواننده با محتوای اثر استفاده کنیم. نسخه‌ی مورد اتکای ما در کار نمونه‌خوانی، نسخه‌ی موجود در کتابخانه آیه‌الله العظمی نجفی بوده است. همچنین با تهیه فرهنگ لغات دشوار سعی کرده‌ایم، به ایضاح مطلب کمک کرده باشیم. امید که سعی ما مقبول طبع خوانندگان فاضل این کتاب شریف قرار گیرد.

کاظم عابدینی مطلق

مقدمه مؤلف

لآلی حمد و جواهر ثنا، تحفه‌ی بارگاه کبریای حکیمی که، الواح ارواح قابل‌هی نوع بشر را که مظهر غرایب صنع قضا و قدر است، به صیقل مواعظ دلپذیر و حکمت‌های بی‌نظیر جلا داده، عکس‌پذیر صفات کمال و چهره‌گشای نعت جلال خویش گردانید؛ و چشمه‌های حقایق از لسان معجز بیان انبیا و اصفیا بر بساطین قلوب صافیه و مزارع صدور زاکیه‌ی ارباب فطنت و ذکا جاری ساخته، تا الوان ریاحین محبت و انواع گل‌های معرفت رویانند؛ و صلوات نامحدود بر زبده‌ی عالم وجود و صاحب مقام محمود و باعث ایجاد سبع طباق و متمم صحیفه‌ی مکارم اخلاق، مقدس‌جنابی که از خزانه‌ی فیض ازلی به تشریف شریف **إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**^۱ سرافراز است و امت‌نوازی که از وفور شفقت و مرحمت به منقبت **خَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَئُوفٌ رَحِيمٌ**^۲ ممتاز است؛ اعنی سید المرسلین و فخر العالمین و شفیع المذنبین و رحمه الله علی الاولین و الاخرین، محمد بن عبدالله، خاتم النبیین. و درود بر آل اطهار و اهل بیت اختیار او که به نور ولایتشان قنادیل دل‌های محبتان، روشنی‌بخش زمین و آسمان گردیده و از شعشعه‌ی خورشید محبتشان مقتضای سیماهم فی وجههم من اثر السجود^۳ صبح صادق یقین و ایمان از جبین شیعیان دمیده، خصوصاً سید اوصیا و امام اتقیا و فریادرس روز جزا و محرم سرادق لو کشف الغطاء باب مدینه و علم و لنگر سفینه حلم؛ اعنی ولی الله المرتضی و سیف الله المنتضی امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین اسد الله الغالب و شهاب الله الثاقب، سید الوصیین علی بن ابیطالب صلوات الله علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم ابد الابدین.

اما بعد، مستمده فیوض ازلی، محمدباقر بن محمدتقی (عفی الله عن جرائمهما) به

۱. سوره‌ی قلم: ۴.

۲. سوره‌ی توبه: ۱۲۸.

۳. سوره‌ی فتح: ۲۹.

موقف غرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می‌رساند که، چون حکیم علیم، نفوس بشری را بر وفق حکمت کامله و مصلحت شامله به عوایق غفلات و علایق شهوات مبتلا گردانیده، حیرت‌زدگان به وادی بی‌خبری و جهالت و مدهوشان شراب بقی و ضلالت را از مواظظ حسنه و نصایح جمیله چاره نیست که شاید از خواب غفلت بیدار و از مستی هوشیار گردند، لاجرم حکیم علی الاطلاق کلام معجز نظام خویش را به نصایح شافیه و امثال و حکم وافیه مشحون گردانید و پیشوایان دین و رهنمایان مسالک یقین را به این شیمه‌ی کریمه امر فرمود، کما قال تعالی: اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ^۱ و در کلام وافی هدایت جناب با رفعت رسالت پناهی و اهل بیت کرام او (صلوات الله علیهم اجمعین) خطب و مواظظ و وصایا فوق حد و احصا وارد شده و اکثر طالبان هدایت به اعتبار عدم انس به لغت عرب از فواید و منافع آنها محرومند؛ لهذا این بی‌بضاعت را به خاطر فاتر رسید که وصیتی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله برگزیده‌ی اصحاب و زبده‌ی اتباع خود ابوذر غفاری (رضوان الله علیه) را فرموده‌اند، چون جامع‌ترین اخباریست که در این باب از ینابیع وحی و الهام ماثور گردیده و بر اکثر مکارم اخلاق حسنه و محاسن اوصاف جمیله اشتمال دارد، ترجمه نمایم و مقید بر نیکی عبارات و حسن استعارات نگردیده، به عبارات قریبه به فهم مضامین، آن را ادا کنم و آنچه محتاج به تفسیر و تبیین باشد و اشکال آن منحصر در عدم فهم لغت نباشد، بر وجه ایجاز متوجه حل آن بشوم، تا کافه‌ی مؤمنان و عامه‌ی شیعیان را از این مائده‌ی سبحانی و عایده‌ی ربّانی بهره‌ی فاضل و نصیب کامل بوده باشد. چون از فضل شامل سبحانی امید دارم که موجب حیات قلوب و ارواح مرده‌دلان سرای غرور گردد، آن را به عین الحیات مسمّی گردانیدم.

ملتمس از ناظران در این رساله آنکه، چون در خور استعداد ناقص این عذیم الاستطاعه به قلم آمده به دیده‌ی عیبجویی نظر ننمایند و در حیات و ممات، این تبه‌روزگار را به دعای خیر اعانت فرمایند و حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

◁ (۱) در ذکر بعضی از فضایل و احوال ابوذر (رض)

ابوذر گنیهی اوست، و اسم او بر قول اصح، جندب بن جناده است. اصل او عرب بوده از قبیلهی بنی غفار. آنچه از اخبار خاصه و عامه مستفاد می شود آن است که، بعد از رتبهی معصومین (صلوات الله علیهم) در میان صحابه کسی به جلالت قدر و رفعت شأن سلمان فارسی، ابوذر و مقداد بن الاسود الکندی نبوده؛^۱ و از بعضی اخبار ظاهر می شود که، سلمان بر او ترجیح دارد، و او بر مقداد.^۲ احادیث بسیار از ائمه‌ی اطهار (صلوات الله علیهم) وارد شده است که، جمیع صحابه بعد از وفات حضرت رسول ﷺ مرتد شده و از دین برگشتند؛ مگر سه کس: سلمان، ابوذر و مقداد، که ایشان را هیچ تزلزل و شکی در خاطر به هم نرسید؛ و قلیلی از سایر صحابه برگشتند و با حضرت امیرالمؤمنین ﷺ بیعت کردند و باقی بر کفر ماندند.^۳

◁ (۲) در فضایل سلمان و ابوذر و مقداد (رض)

منقول است از حضرت صادق که، حضرت امیرالمؤمنین ﷺ به سلمان گفت: «یا سلمان! برو به خانهی حضرت فاطمه، و بگو تحفه‌های بهشت که حق سبحانه و تعالی از برای او فرستاده، به تو عطا فرماید. سلمان چون پس پرده آمد، دید سه سبد نزد حضرت فاطمه گذاشته‌اند. گفت: ای دختر رسول ﷺ! تحفه به من کرامت فرما! حضرت فرمود: این سه سبد را سه خُوریه از بهشت از جهت من آوردند؛ اسم ایشان را پرسیدم، یکی از ایشان

۱. بحارالانوار ۳۲۱/۲۲ ح ۱۰ و غیر آن.

۲. بحارالانوار ۳۴۶/۲۲ ح ۶۰ و غیر آن.

۳. بحارالانوار ۲۳۳/۲۲ ح ۴۵، ص ۳۵۱، ح ۷۶، و ص ۳۵۲، ح ۸۰.

گفت که من سلمی نام دارم؛ خدا مرا از جهت سلمان خلق کرده. و دیگری گفت من ذره نام دارم؛ خدا مرا جهت ابوذر خلق کرده. و سومی گفت من مقدوده نام دارم؛ خدا مرا برای مقدار خلق کرده. سلمان می‌گوید: حضرت فاطمه قدری از آن تحفه به من کرامت فرمود بر هر قومی که می‌گذشتم، از بوی خوش آن متعجب می‌شدند!^۱

از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که: «در روز قیامت منادی از جانب رب العزة ندا کند که: کجایند حواری و مخلصان محمد بن عبدالله، که بر طریقه‌ی آن حضرت مستقیم بودند و پیمان آن حضرت را نشکستند. برخیزند: سلمان، ابوذر و مقدار.»^۲ روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که، حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا مرا امر کرده است به دوستی چهار کس. صحابه گفتند: یا رسول الله! کیستند این جماعت؟ فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام، مقدار، سلمان و ابوذر.»^۳ به اسانید بسیار در کتب شیعه و سنی روایت شده که، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «آسمان سایه نکرد بر کسی، و زمین بر نداشته کسی را که راستگوتر از ابوذر باشد.»^۴

ابن عبدالبر، که از اعظام علمای اهل سنت است، در کتاب استیعاب از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که: «ابوذر در میان امت من، بر زهد عیسی بن مریم است.» به روایت دیگر: شبیه عیسی بن مریم است در زهد. ایضاً روایت نموده است که، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ابوذر علومی ضبط کرد، که مردمان از حمل آن عاجز بودند؛ و گاهی بر آن زد، که هیچ از آن بیرون نیامد.»^۵

ابن بابویه (علیه الرحمة) به سند معتبر، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: «روزی ابوذر (رحمه الله) بر حضرت رسالت پناه گذشت؛ جبرئیل به صورت دحیه‌ی کلبی در خدمت آن حضرت به خلوت نشسته بود و سخن در میان داشت. ابوذر گمان کرد که دحیه‌ی کلبیست، و با حضرت حرف نهانی دارد، بگذشت. جبرئیل گفت: ای محمد! اینک ابوذر بر ما گذشت، و سلام نکرد. اگر سلام می‌کرد، ما به او جواب سلام می‌گفتم. به

۱. بحارالانوار ۳۵۲/۲۲ ح ۳۵۳، ۸۱

۲. بحارالانوار ۳۴۲/۲۲

۳. بحارالانوار ۳۲۱/۲۲ ح ۱۰، و ص ۳۹۶، ح ۵۸، و ص ۳۵۳، ح ۸۲

۴. بحارالانوار ۳۲۹/۲۲ ح ۳۸، و ص ۳۴۳، و ص ۴۰۵، ح ۱۸ و غیر آن.

۵. بحارالانوار ۴۲۰/۲۲ از استیعاب.